



Killer Beat

تیم ترجمہ وادیت الی سکاوی تقدیم می کند

Uploader: *elik*

translator: *Shoku*

editor: *Shiva & Nari*

director: *mioka*

Aoi Sekai





کشتنده ضربه‌ی

چیتز: ۱۵

تلق

درد می‌کنه؟

تلق

یکم
قلقلکم میاد، ولی
مشکلی نیست...



تنها چیزی که
مهمه اینه که مشکلی
نداشته باشی.

اوه، حالا كه بعضی
فكر می كنم -

آخ

آه

معمولا بیشتر مردم این روز
نمی‌کنن و روی این که خودشون،
خودشون رو تمیز کنن پافشاری
نمی‌کنن؟ مثل اون چان.

این یارو
زیادی آرومه.

آه اون چان بود، تا حالا کلی
داستان درست کرده بود.



خانم نابی.

?



به لمس کردن
بدن مردها عادت
داری؟



یه جوری به نظر
می‌رسی که انگار اینجور
کارها رو زیاد انجام
دادی.

هاه؟



تا حالا با چندتا
مرد بودی...؟

نه، خانم نابی،
برای شما، مردها
بیشتر مثل دام
هستن، هاه؟

چی؟

تو دقیقا از
کجا می دو-

دووووون!

استای!



این یارو دیگه
چه فریه؟

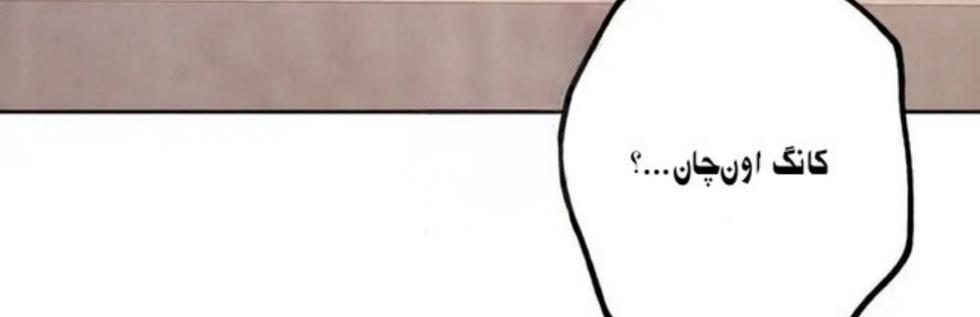
کو کو کو کو



??



کانگ اون چان...؟



ای
ای
ای

برای توضیح دادن این که چرا
کانگ اون چان - کسی که
فرار بود مراقب خونه باشه -
یکهویی وارد سالن شد.

باید به امروز
صبح برگردیم.



اون چان، باز
کجا رفتی؟



نوناً!

من همین
جام!



아삭~!

بعد از همه اتفاق هایی که
دیشب افتاد نابی که با یه آدم
عادی متفاوت بود نتونست به
خوبی بار احساسی رو تحمل
کنه ...

دیشب چه
اتفاقی افتاد؟

حالا هرچی،
باید برم سرکار.

نونا.

هوم؟

بدون صبحونه
داری می‌ری؟

هوم؟ اوه... خب...
تو گشنه‌ای؟

اگه تو می‌خوای
چیزی بخوری، من
هم می‌خورم.

چی باید بخوریم...؟
شاید من فقط باید
تورو بخو-



پ- پس ...

لطفا آرام
انجامش بده ...



اه.

داره دیرم می شه.
باید برم. مراقب
خونه باش.



الان؟



اگه حوصلهات سر
رفت ... هر کاری دلت
خواست بکن.



چیزی نمی خوری؟

카카

وقتی برگشتم
می خورم.



بوم



مراقبت کن.
من حواسم به
خونه هست.

وقتی برگشتی
باید یه چیزی
بخوری...!!

باشه.

다들



گفت که اگه
حوظهام سر رفت
می تونم هر کاری
که خواستم بکنم.





اتاق نونا!

می تونم به نگاه
بندازم... درسته؟

اون گفت که می تونم
هرکاری بکنم...!

قرار نیست
وسایلس روزیرو رو
کنم، یا به همچین
چیزی...

فقط به نگاه به کتاب های
روی طاقچه می اندازم...

یا شایدم ملافه هارو بو کنم...



ملافه هارو پوکنم؟
حیوون نیستم که...!!



چطور جرات کردم
حتی به پوکدن ملافه
هاس فکرکنم...

مثل یه هیولای
کئیف...!







ها...!



عطرش...

خیلی خوبه...



حتی آه بوی خیلی
خوبی هم داشته باشه
نباید خود ارضایی کنم.

بوم

حتی آنه هم بکنم
باید بایه اجازه درس
حسابی باشه...

다녀와



مثلاً... جلوی چشم
خودش باشه...

می خوام کیرم رو
لمس کنم. کاش اون
واسم لمسش می کرد.

اوهف

نوو

자자자

음음음

자자자

آه

아아아

음음음

می خوام که باهام
خسب باشه...

مالیدن

مالیدن



آه می شه...



می خواستم که بهم
یه قلاده ببندید...

آه، من نباید
همچین کاری بکنم...

ولی بدجوری دلم
می خواد لمسش کنم...

آه من فقط -

آه

آه

نو... نونا...



مردک روانی...
حد اقل در کیری رو
بیند...



فکر می کنی چرا؟
مغزت توی همین
چند روز گندیده؟

تو اونطوری غیبت زد،
پس من هم اومدم که
تورو پیدا کنم.

وقت ندارم،
پس می رم سر
اصل مطلب.

دارم از این شهر
می رم، و هیچوقت قرار
نیست برگردم.

این آخرین فرصتت
برای بیرون زدن.
میای یا نه؟

죽다

نمیام.

باشه، پس
همین جا بمون.

حداقل ازم
بپرس چرا.

نه.

نونا دوستم
داره.

نو... چی؟

حالا هرچی.
نمی خوام بدونم.
دیگه چیزی نگو.



این... این
کسخل.

این حرورم زاده یه روز
قراره بمیره، و دلایش هم
قراره کارما باشه...



اوه.
درسته.

من نمی تونم برم
بیرون، پس تو باید
بری بیرون و برام یه
کم لباس بیاری.



... نمی خوام.

کارم اینجا تمومه،
دارم می رم.

وایسا،
حداقل بهم بگو چرا
داری می ری.

چی فکر
می کنی؟

داری از نونا
فرار می‌کنی؟

قطعاً. اگه
نمردی، یه زنگ
بهم بزن.

اگه می‌خوای باهام
در ارتباط باشی، برو
سراغ نونا. اون الان
صاحب منه.

د آخه روانی ...
به هرحال، من
دارم می‌رم.

وایسا، هیونگ.

این بار چیه؟
نظرت عوض شد؟

نه، من فقط به
سوال دارم...

این که...؟

هیونگ، تو...
حامله ای؟

؟

...هاه؟

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoi Sekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)